

Examining the cases and typology of the use of "Lalla" in the Holy Qur'an and analyzing the views of commentators on how to attribute it to God Almighty

Abstract

In the Holy Quran, the word "Lalla" has been used ١٢٩ times in ١٢٦ verses and in most cases, it means "explanation" and "preference". This application in the word of God Almighty, considering the type of doubt and expectation, is a challenge that this research has been addressed by descriptive-analytical method. The findings of this study indicate that the use of the word "Lalla" in the divine word, in various doctrinal subjects; Including monotheism, justice, prophecy, resurrection, as well as in individual and social behavioral issues, in various forms; Singular and compound; In addition to the pronoun, it comes with the name of appearance and with various consequences, and often has one of two meanings: ١. Analysis, in order to express the cause and appropriateness of God Almighty to inform and guide people, and ٢. And hope is the realization of Lal; has been used. Considering that this meaning of pomegranate carries a kind of doubt, because it is impossible about God and can not be attributed to God Almighty, in different cases, it refers to the "speaker" and the "action" of the addressee or situation; Accordingly, in the position of analysis, we can consider the views of commentators who have considered the reason for using Lal as ١. creating a sense of hope in the audience, ٢. introducing the result and consequence of belief and action, and ٣. preventing surprise and pride in achieving those results. ; But some commentators who have abrogated Lal from its meaning and used it in a figurative sense, are without reason and unjustified.

Key words: Lalla, Hope, Doubt, Explanation, Holy Quran, Attribution and Explanation to God.

بررسی موارد و گونه شناسی کاربرد «لعل» در قرآن کریم و تحلیل دیدگاه مفسران در چگونگی انتساب یافتن آن به خداوند متعال

علی محمدی آشنانی^۱

اکرم ناطق^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۳۰

چکیده

در قرآن کریم، واژه «لعل» ۱۲۹ بار و در ۱۲۶ آیه و در بیشتر موارد، به معنای «تعلیل» و «ترجی»، به کار رفته است. این کاربرد در کلام خداوند علیم و قدیر، با عنایت به دربرداشتن نوعی تردید و انتظار، چالشی است که این پژوهش، با روش توصیفی-تحلیلی، بدان پرداخته شده است.

یافته‌های این پژوهش، نشانگر آن است که کاربست واژه «لعل» در کلام الهی، در موضوعات گوناگون اعتقادی؛ اعم از توحید، عدل، نبوت، معاد، همچنین در مباحث رفتاری فردی و اجتماعی، به صورت‌های گوناگون؛ متفرد و ترکیبی؛ با اضافه به ضمیر با اسم ظاهر و با پس‌آمدهای گوناگونی آمده است و اغلب به یکی از دو معنای: ۱. تعلیل، به منظور بیان علت و مقتضی از سوی خداوند عالم خیر برای آگاه‌ساختن و هدایت مردم و ۲. معنای ترجی که به معنای رجاء و امید به تحقق پس‌آمد لعل است؛ به کار رفته است. با عنایت به آن که این معنای لعل، حامل نوعی شک و تردید

۱. استاد یار دانشگاه علوم و فنون قرآن، dr.mohammadi.Quran@gmail.com

۲. دانش پژوه سطح ۴ حوزه- نویسنده مسئول akramnategh^۹@gmail.com

است، چون در مورد خداوند محال است و نمی‌تواند به خداوند متعال انتساب یابد، در موارد مختلف آن، به «گوینده» و به «فعل» مخاطب یا شرایط، بر می‌گردد؛ بر این اساس، در مقام تحلیل، می‌توان دیدگاه مفسرانی که علت کاربرد لعل را ۱. ایجاد حس امیدواری در مخاطب ۲. معرفی نتیجه و پیامد اعتقاد و عمل و ۳. پیش‌گیری از عجب و غرور در مورد دستیابی به آن نتایج دانسته‌اند، مدلل دانست؛ ولی برخی از مفسران که لعل را از معنای خود منسلخ و در معنای مجازی، به کار برده‌اند، بدون دلیل و ناموجه است.

کلید واژه‌ها: لعل، ترجی، تردید، تعلیل، قرآن کریم، انتساب ترجی و تعلیل به خداوند.

۱. بیان مسأله

قرآن کریم، کتابی است که از سوی خداوند متعال به زبان عربی مبین، نازل شده است و در ۱۲۶ آیه آن و ۱۲۹ بار، واژه لعل به کار رفته است که ۱۰۴ مورد آن به طور مستقیم از قول حق تعالی است و در ۱۰۱ مورد، واژه لعل در ذیل آیه واقع شده و در ۳ آیه در صدر واقع شده است. در ۱۳ مورد دیگر، یا به نقل از پیامبران الهی و در یک مورد به نقل از فرشتگان و در بقیه موارد، به نقل از فرعون و مشرکان می‌باشد.

پرسش اصلی این پژوهش آن است که با توجه به این که این واژه لعل از نظر لغوی، حاوی معنای شک و تردید و عدم قطعیت است، کاربرد لعل در قرآن از سوی خداوند، همچنان معنای شک و تردید را در بر دارد؟ یا به دلایل دیگری و ناظر به جهت دیگری، در کلام الهی به کار رفته است؟ آن وجوه و جهات چیست؟ از دیگر سو، با عنایت به این نکته که میان مضمون هر آیه ای با ذیل آن ارتباطی خاص وجود دارد، این پرسش وجود دارد که چرا در ذیل بعضی از آیات «لعل» با پس آمد تفکر آمده است و در جایی با تعقل و در جایی دیگر با تذکر و غیره. به دیگر سخن کاربرد پس آمدهای گوناگون برای لعل، حاوی چه نکته ای است؟ به دیگر سخن، لعل چه ارتباطی را بین صدر و ذیل خود، افاده می‌کند؟

ارایه پاسخ تفصیلی به پرسش دوم، مقاله مستقلی می‌طلبد ولی در این جستار به مناسبت معنای تعلیل و در دیدگاه مفسران، به اختصار، مورد اشاره قرار گرفته است ولی در مقام پاسخ از پرسش نخست، برخی از تفاسی، صرفاً به بیان معنای لغوی «لعل» اکتفا نموده‌اند و برخی تفاسیر مانند مجمع البیان و المیزان، افزون بر آن از معنای اصطلاحی و علت کاربرد «لعل» نیز سخن به میان آورده‌اند.

در این پژوهش پس از بررسی معنای «لعل» با اشاره به پیش آمدها و پس آمدهای آن، کاربرد لعل در موضوعات گوناگون در قرآن، گونه شناسی و به تفصیل، گزارش و توصیف می‌شود، البته این پژوهش، تنها به بررسی کاربرد ۱۰۱ مورد از موارد استفاده از لعل در قرآن کریم که به طور مستقیم از خداوند متعال نقل شده است، مورد بررسی قرار گرفته تا ضمن کشف و تبیین معنای لعل در کلام الهی، چرایی انتساب آن را بررسی نماید.

۲. پیشینه موضوع و مسأله

جستجو و کاوش های فراوان نشان گر آن است که در این زمینه، تنها یک کتاب مستقل موجود است، کتاب «لعل فی القرآن الکریم» اثر خویسکی، زین کامل که توسط جامعه الاسکندریه در سال ۱۹۸۹ به چاپ رسیده که بیشتر به واژه شناسی و معناشناسی لعل پرداخته و با اشاره به موارد لعل در قرآن کریم، آن را از نظر نحویین و لغت شناسان مورد بررسی قرار داده است. دیگر کتب مانند کتب تفسیری و علوم قرآنی به اختصار به بیان معنای لغوی یا اصطلاحی لعل و به کار رفتن آن در قرآن پرداخته اند. (سیوطی، جلال الدین، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۵۲۲؛ زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، ۱۴۲۹ ق، ج ۴، ص ۳۳۶-۳۳۹؛ طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۵۳-۱۵۴؛ طباطبایی، محمد حسین، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۱۹۸؛ زمخشری، محمود، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۹۲). در سایت های گوناگون علمی مانند نورمگز (<http://www.noormags.ir/>) و مگ ایران (<http://www.magiran.com/>) و ایران نمایه (<http://www.irannamaye.ir/>) و جهاد دانشگاهی (<http://sid.ir/>) نگارش مستقلی در این باره وجود نداشت و در سایت های عمومی نیز تنها در حد یک صفحه و چند خط

برخی از نکات مربوط به لعل توضیح داده شده است. به عنوان نمونه در سایت تبیان www.tebyan.net، سایت پرسمان دانشجویی: www.quran.porsemani.ir، سایت www.myquran.de به برخی معانی واژه لعل یا نکات اخلاقی آن اشاره شده است. ولی در موضوع این پژوهش، اثری مشاهده نشد.

۳. شناخت واژگانی و اصطلاحی واژه «لعل»:

«لعل» یکی از نواسخ مبتدا است و به گفته معجم نویسان، معانی مختلفی دارد که مشهورترین آنها به شرح زیر است: ۱. «ترجی»، که به دو صورت مطرح شده است: الف. ترجی و انتظار خوب و بد: بعضی از لغت شناسان لعل را به معنای طمع یا انتظار چیزی که مورد علاقه است و اشفاق یا انتظار چیزی که مکروه و ناپسند است، دانسته اند (راغب اصفهانی، ۱۴۲۵ ق، ص ۷۴۱). ب. ایجاد ترجی: یعنی انتظار چیزی که محبوب یا مکروه است و این معنای اصلی آن است. مفاهیم تعلیل و ظن و استفهام و طمع و اشفاق و غیره از آثار آن معنای اصلی می‌باشند و این مفاهیم از نوع تعبیر و لحن کلام فهمیده می‌شوند. (مصطفوی، حسن، ۱۳۸۵ ش، ج ۱۰، ص ۲۰۰-۱۹۹) ۲. تعلیل: لعل گاه به معنای می‌آید. (انیس، ابراهیم و همکاران، ۱۳۶۷ ش، ص ۸۲۹-۸۲۸) ۳. استفهام: لعل در بعضی موارد نیز به معنای استفهام است. (انیس، ابراهیم و همکاران، پیشین، ص ۸۲۹-۸۲۸). بدینسان می‌توان گفت لعل به معنای ترجی و انتظار تحقق نیک یا بد است که با عنایت به مورد کاربرد، حاوی معنای شک، ظن، تعلیل و استفهام نیز می‌باشد.

زین الکامل الخویسکی، معتقد است لعل، دارای معانی لغوی دیگری دارد که در کاربست قرآنی آن وجود دارد ولی در لغت و ادبیات شناخته نیست. وی می‌گوید:

«معانی «لعل» که در قرآن کریم وارد شده و نحویان و لغویان نیز آن را ذکر کرده اند، سه چیز است: ترجی (رجاء) ۲- تعلیل ۳- اشفاق.....۱ ما معانی «لعل» که در قرآن کریم آمده، ولی نحویان و لغویان آن را ذکر نکرده اند، نیز سه چیز است: ۱- تمنی ۲- تحقق ۳- اراده» (الخویسکی، ۱۹۸۹ م، ص ۷۵-۳۵). بررسی سخن وی، خود یک تحقیق مستقل ادبی را می طلبد که از موضوع این پژوهش بیرون است. اما از نظر معنای اصطلاحی، واژه «لعل» نحویان نیز، همانند اهل لغت برای لعل، سه معنا ذکر کرده اند: (ابن هشام، بی تا، الجزء الاول، ص ۲۸۸، ۲۸۷ والدقر عبد الغنی، بی تا، ص ۳۱۱): ۱. ترجی؛ یعنی توقع امر ممکن، که یا محبت به آن است، مثل «لعلکم تفلحون» (بقره/ ۱۸۹) و یا ترس و خوف به آن امر ممکن می باشد؛ مثل «لعل الساعه قریب» (شوری/ ۱۷). ۲. تعلیل: یعنی بیان علت مثل «لعله یتذکر او یخشی» (طه/ ۴۴) یعنی «لیتذکر» ۳. استفهام: یعنی پرسش مثل «و ما یدریک لعله یزکی» که تقدیر آن چنین است: و ما یدریک ایزکی؛ و تو چه می دانی که آیا او تزکیه می پذیرد یا نه؟ (زرکشی، پیشین، ج ۴، ص ۴۲۰-۴۱۷)

اما در اصطلاح اندیشمندان علوم قرآنی هم، «لعل» به همان معانی البته با توضیح یا اضافاتی آمده است: به عنوان نمونه، ترجی و امید در محبوب و اشفاق و ترس در مکروه، تعلیل به معنای «کی» و استفهام (زرکشی، پیشین، ج ۴، ص ۴۲۰-۴۱۷) در اصطلاح مفسران نیز «لعل»، به همان معانی سه گانه، تبیین یافته است؛ ولی با عباراتی متفاوت همچون، توقع، اراده، تشبیه، و حکمت، به کار رفته است.

۴. بسامد تفصیلی کاربرد «لعل» در قرآن کریم

در قرآن کریم واژه «لعل» در ۱۲۹ آیه به کار رفته است که ۷۳ مورد از کاربرد واژه لعل در آیات مکی و ۴۶ مورد آن در آیات مدنی قرار گرفته اند. گفتنی است از تعداد

۱۲۹ آیه مشتمل بر واژه لعل، ۱۰۴ مورد آن به طور مستقیم از قول خداوند متعال و در ۱۴ مورد به صورت غیرمستقیم از خداوند به نقل از انبیای الهی و فرشتگان است و در ۱۱ مورد از قول یهودیان، اصحاب سبت، فرعون، قوم ابراهیم، پرسش گران از حضرت یوسف و مشرکان است. از تعداد ۱۲۹ مورد، در ۱۲۰ آیه، واژه لعل در ذیل و پایان آیه و در ۵ آیه در صدر و آغاز آیه و در ۴ آیه بین صدر و ذیل در میان آیه، واقع شده است. گفتنی است در ۱۰۴ آیه ای که لعل به طور مستقیم از قول خداوند نقل شده است، ۱۰۱ مورد در ذیل آیه و ۳ مورد آن در صدر آیه به کار رفته است.

جدول ترسیم آیاتی که «لعل» در صدر و میان آیات از جانب حق تعالی به صورت غیرمستقیم نقل شده است، به شرح زیر است:

ردیف	سوره	آیه	به نقل از	مکان لعل
۱	هود	۱۲	حق تعالی	صدر آیه
۲	کهف	۶	حق تعالی	صدر آیه
۳	شعراء	۳	حق تعالی	صدر آیه
۴	شعراء	۴۰	اطرافیان فرعون	صدر آیه
۵	مومنون	۱۰۰	مشرکان	صدر آیه
۶	یوسف	۶۲	حضرت یوسف(ع)	وسط آیه
۷	یوسف	۴۶	ساقی عزیز مصر	وسط آیه
۸	قصص	۲۹	حضرت موسی(ع)	وسط آیه
۹	قصص	۳۸	فرعون	وسط آیه

ردیف	سوره و آیه	به نقل از
۱	انبیاء، آیه ۱۱۱	حضرت محمد(ص)
۲	اعراف، آیه ۱۶۳	حضرت نوح(ع)
۳	اعراف، آیه ۶۹ و شعراء، آیه ۲۹	حضرت هود(ع)
۴	انبیاء، آیه ۱۳	بنا بر قولی، سخن فرشتگان است.

حضرت موسی(ع)	نمل آیه ۷، قصص آیه ۲۹	۵
حضرت ثمود(ع)	نمل آیه ۴۶	۶
مشرکان	فصلت آیه ۲۶، یس آیه ۷۴	۷
یهودیان	آل عمران آیه ۷۲	۸
کسانی که در میان اصحاب سبت بودند	اعراف آیه ۱۶۴	۹
سوال کنندگان از حضرت یوسف(ع)	یوسف آیه ۴۶	۱۰
حضرت یوسف(ع)	یوسف آیه ۶۲	۱۱
حضرت ابراهیم(ع)	ابراهیم آیه ۳۷، انبیاء آیه ۵۸	۱۲
قوم ابراهیم(ع)	انبیاء آیه ۶۱	۱۳
فرعون	غافر آیه ۳۱	۱۴

همان گونه که ملاحظه می شود در آیات فوق، لعل در ۱۴ مورد به صورت غیرمستقیم از خداوند به نقل از انبیای الهی و فرشتگان است و در ۱۱ مورد از قول یهودیان، اصحاب سبت، فرعون، قوم ابراهیم، پرسش گران از حضرت یوسف و مشرکان است.

۵. گونه شناسی پس آمدهای «لعل» در آیات قرآن کریم

در قرآن کریم واژه «لعل» با پس آمدهای گوناگونی؛ البته گاه به صورت منفرد (لعل) و گاه به صورت ترکیبی و با اضافه به ضمیر همچون (لعلک، لعلکم، لعله، لعلهم، لعلی) و یا با اضافه به اسم ظاهر آمده است:

۵.۱. انواع پس آمدهای لعل در قرآن کریم

کاربرد لعل در قرآن، دارای پس آمدهای مختلفی است این پس آمدها عبارتند از:

۱. تذکر: در ۱۷ مورد، مانند: «وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (قصص / ۵۱)؛ و به راستی برای ایشان، سخن از پی سخن آوردیم به امید آن که پند گیرند.

۲. شکر: در ۱۴ مورد لعل به واژه «شکر» ختم شده است: «...وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَرَ وَ الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (نحل / ۷۸)؛ و برای شما گوش و دیدگان و دل‌ها قرار داد تا شکر گزاریید.

۳. تقوی: در ۱۱ مورد واژه لعل، با پس آمد مشتقات واژه تقوی به کار رفته است. در صدر این جملات، عوامل، علل و زمینه‌های ایجاد تقوی در انسان معرفی شده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره/ ۲۱)؛ ای مردم! پروردگارتان را که شما و کسان قبل از شما را آفرید بپرستید، باشد که پرهیزگار شوید.

۴. فلاح و رستگاری: ۱۰ مورد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده / ۳۵)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا بترسید و [برای تقرب] به سوی او وسیله بجوئید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.

۴. هدایت: در قرآن کریم در ۹ مورد لعل با پس آمد مشتقات واژه هدایت به کار رفته است که با عنایت به کاوش و پژوهش‌های صورت پذیرفته یا علت هدایت یافتگی و یا زمینه و عوامل بشر ساز آن را معرفی می‌کند. «وَ أَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَ أَنْهَارًا وَ سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (نحل/ ۱۵)؛ و در زمین کوه‌هایی استوار افکند تا شما را نلرزاند و رودها و راه‌ها پدید آورد تا شما راه خود را پیدا کنید.

۵. تعقل: در ۸ مورد، لعل با پس آمد تعقل و خردورزی آمده است: «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (زخرف/ ۳)؛ هملنا ما آن را قرآنی عربی کردیم، باشد که تعقل کنید.

۶. رجوع و بازگشت: در قرآن کریم در ۷ مورد لعل به واژه رجوع ختم شده است: «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (زخرف/ ۲۸)؛ و این [سخن یکتاپرستی] را در نسل او سخنی ماندگار قرار داد، باشد که [به سوی خدا] بازگردند.

۷. رحمت: در ۶ مورد: «وَأَقِمْوُا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (نور/ ۵۶)؛ و نماز را برپا کنید و زکات بدهید و پیامبر را فرمان برید تا مشمول رحمت شوید.

۸. تفکر: در ۵ مورد واژه لعل با پس آمد تفکر به کار رفته است: «... وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل/ ۴۴)؛ و این قرآن را به سوی تو فرستادیم تا برای مردم آنچه را که به سویشان نازل شده است بیان کنی و امید که بیندیشند.

۹. تضرع: تنها در ۲ مورد لعل با پس آمد تضرع به کار رفته است: «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَعُونَ» (اعراف/ ۹۴)؛ و ما در هیچ دیاری پیامبری نفرستادیم، جز آن که ساکنان آن را به سختی و بیماری دچار کردیم تا مگر زاری کنند [و رو به خدا آرند].

۱۰. قریب بودن قیامت: در قرآن کریم در ۲ مورد با پس آمد قریب بودن قیامت آمده است: «اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ» (شوری/ ۱۷)؛ خدا کسی است که کتاب و ترازو [ای اعمال و ایمان] را به حق نازل کرد و تو چه می‌دانی شاید قیامت نزدیک باشد.

۱۱. ایمان و یقین به لقای پروردگار: در ۲ آیه به آن اشاره شده است: «ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ» (انعام/ ۱۵۴)؛ سپس به موسی کتاب دادیم، برای اتمام نعمت بر کسی

که نیکی کرد و برای این که [حکم] هر چیزی را بیان نماییم و هدایت و رحمتی است، باشد که آنان به لقای پروردگارشان ایمان بیاورند.

۱۲. پس آمد های گوناگون دیگر: در ۸ مورد لعل با پس آمدهای یگانه و گوناگون آمده است:

الف. بیان نعمت های خدا دادی، زمینه ساز تسلیم شدن به خداوند: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِّنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَ جَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ بِأَسْكُمْ كَذَلِكَ يَتِمُّ نِعْمَتُهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ» (نحل / ۸۱)؛ و خداوند از آنچه آفریده برای شما سایه‌بان ها فراهم آورد و از کوه‌ها برایتان پناهگاه‌هایی قرار داد و برای شما جامه‌هایی پدید آورد که از گرما نگاهتان دارد و جامه‌هایی [چون زره] که در [جنگ‌ها و] سختی‌های شما حفظتان کند. این گونه نعمت خویش را بر شما تمام می‌کند، امید که شما به فرمانش گردن نهید.

ب. ایمان و استجابت دعوت الهی، زمینه راه یابی و رشد: «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (بقره / ۱۸۶)؛ و چون بندگان من از تو در باره‌ی من بپرسند، همانا من [به آنها] نزدیکم و دعای دعا کننده را وقتی که مرا بخولند پاسخ می‌دهم، پس آنها نیز دعوت مرا اجابت کنند و به من ایمان بیاورند، باشد که راه یابند.

ج. بیان آیات به صورت های گوناگون زمینه و عامل فهم عمیق: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَن يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا وَ يَذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ» (انعام / ۶۵)؛ بگو: او تواناست که بر شما عذابی از بالا یا زیر پایتان بفرستد یا شما را دچار تفرقه و گروه‌ها سازد و

شرارت برخی‌تان را به برخی دیگر بچش‌لند. بنگر چگونه آیات را به صورت‌های گوناگون بیان می‌داریم باشد که آنها فهم کنند.

د. نبرد با سران کفر، عامل بازدارنده آنان: «وَإِنْ تَكُونُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَأَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ» (توبه/۱۲)؛ و اگر قسم‌های خود را پس از پیمان خویش شکستند و به آیین شما طعنه زدند، با سران کفر بجنگید [چرا که] آنها پای‌بند سوگندها نیستند، باشد که [از پیمان‌شکنی] باز ایستند.

ه. تفقه و فهم عمیق دین و انذار مردم، زمینه ساز حذر کردن مردم از گناهان: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ مَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه/۱۲۲)؛ و مؤمنان را وظیفه نیست که همگی [به سوی جهاد] کوچ کنند، پس چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین آگاهی یابند و چون بازگشتند قوم خود را انذار کنند شاید آنها از معاصی بر حذر باشند.

و. اجرای احکام الهی، زمینه ساز عطوفت و مهربانی در میان انسان‌ها: «... تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَمْ تَذَرِهِ لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا» (طلاق/۱)؛ اینها حدود خداست و هر کس از حدود خدا پا فراتر نهد، قطعاً به خود ستم کرده است. تو نمی‌دانی، شاید خدا پس از آن، امری پدید آورد [و صلحی پیش آمد].

ز. پرهیز از قضاوت‌های سطحی و عجولانه و حسن ظن به دیگران: «عَبَسَ وَ تَوَلَّى أَنْ جَاءَهُ لِلْأَعْمَى وَ مَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَكِّي أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى» (عبس/۱-۴)؛ رو ترش

کرد و رخ برتافت* که آن نابینا نزد وی آمد* و تو چه دانی؟ شاید او پاکیزگی یابد* یا پند گیرد و آن پند سودش دهد.

ح. تسبیح و حمد و ستایش الهی، زمینه ساز رضایت‌مندی: «فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ غُرُوبِهَا وَ مِنْ ءَانَائِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَ اطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ» (طه/۱۳۰)؛ پس بر آنچه می‌گویند صبور باش و پیش از طلوع آفتاب و قبل از غروب آن پروردگارت را تسبیح گوی و از ساعات شب و حوالی روز به نیایش پرداز، باشد که [از الطاف الهی] خشنود گردی.

جمع بندی و تحلیل: از دقت در موارد کاربرد پس آمدها روشن می‌شود که تفاوت پسامدهای «لعل» مثل شکر، تقوی، ذکر و غیره، با موضوع مضمون آیه، رابطه مستقیم دارد؛ مثلاً در تعدادی از آیات که مذیل و مزین به شکر هستند، با کمی توجه روشن می‌شود که این آیات از نعمت‌های الهی می‌گویند یا آیاتی که به ذکر ختم می‌شوند غالباً آیاتی هستند که انسان را متذکر و یادآور فطرتش می‌کنند. کاربرد لعل در این آیات، نتیجه مورد امید و احتمالی صدر آیه را مطرح می‌سازد تا مخاطب را بدان توجه داده و رهنمون شود و چون مخاطبان دارای مراتب مختلف ایمان و تذکر هستند و در شرایط گوناگونی قرار می‌گیرند و ممکن است از خود واکنش‌های گوناگونی بروز دهند، از سوی خداوند متعال، واژه لعل، به کار رفته است.

۵.۲. گونه‌شناسی موضوعی کاربرد «لعل» در قرآن کریم

واژه «لعل» با موضوعات گوناگون در مباحث اعتقادی اعم از توحید، عدل، نبوت، معاد و همچنین در مباحث رفتاری اعم از رفتار فردی و رفتار اجتماعی به کار رفته است.

الف- موضوعات اعتقادی

۱. واژه لعل ۱۸ بار در موضوع توحید و خداشناسی به کار رفته است که پیش‌آمد بیشتر این آیات در رابطه با آفرینش طبیعت و ایجاد سیستمها و اعطای نعمت‌های گوناگون مادی به جهانیان و در موارد لندکی به نعمت‌های معنوی همچون نزول قرآن و توجه دادن به آن نعمت‌ها هستند:

ردیف	سوره	آیه	پیش‌آمد	پس‌آمد
۱	نحل	۱۵	ایجاد کوه‌ها و نهرها و راه‌ها	هدایت
۲	زخرف	۱۰	آفرینش زمین به عنوان مهد آرامش و ایجاد راه‌ها در آن	هدایت
۳	انبیاء	۳۱	ایجاد کوه‌ها و راه‌ها	هدایت
۴	حدید	۱۷	زنده کردن زمین پس از مرگش	تعقل
۵	غافر	۶۷	تطور خلقت انسان	تعقل
۶	اعراف	۱۷۴	تفصیل آیات الهی، برای توجه‌دادن انسان‌ها به میثاق فطرت و سرشت توحیدی	رجوع
۷	ذاریات	۴۹	زوجیت و دوگانگی در تمام اشیاء جهان	ذکر
۸/	بقره	۵۲	عفو گناهان	شکر
۹	بقره	۵۶	برانگیختن پس از مرگ	شکر
۱۰	انفال	۲۶	نصرت الهی مستضعفان	شکر
۱۱	نحل	۴۴	فرستادن قرآن	تفکر

۱۲	نحل	۸۱	توجه دادن مردم به نعمت‌ها(سایه‌ها، مسکنها، و پوششها) و خالق آنها	تسلمون
۱۳	نحل	۷۸	نعمت علم و دانش و ابزار شناخت آن (گوش و چشم و قلب)	شکر
۱۴	قصص	۷۳	ایجاد شب و روز برای آرامش شما، رحمت الهی است	شکر
۱۵	روم	۴۶	ارسال باده‌ها، از نشانه‌های رحمت الهی	شکر
۱۶	جاثیه	۱۲	تسخیر دریاها برای انسان	شکر
۱۷	زخرف	۲۸	پایدار دن توحید و یکتاپرستی در نسل ابراهیم (ع)	رجوع
۱۸	رعد	۲	تدبیر الهی کارها و شرح الهی آیات	توقنون

همان گونه که ملاحظه می شود پس آمد لعل هدایت، تعقل، یقین، ذکر، شکر، رجوع و رکوع مردمان در برابر اعطای نعمت های تکوینی است و چنان که بدان اشارت رفت، گر چه انتظار از آفرینش و اعطای نعمت ها از سوی خداوند به بندگان، هدایت یافتگی ذکر و شکر الهی از سوی آنها است ولی مراتب مختلف ایمان و تذکر و شرایط گوناگون و واکنش های مختلف آنها ، کاربرد لعل در این آیاترا سبب شده است.

۲. لعل در ۵ آیه، در موضوع تحقق عدالت الهی و فراگیری عادلانه فعل الهی در مورد همگان استعمال شده است:

ردیف	سوره	آیه	پیش آمد	پس آمد
۱	اعراف	۱۳۰	مجازات آل فرعون با خشکسالی و کمبود محصول	ذکر
۲	اعراف	۱۶۸	آزمودن به خوبی‌ها و بدی‌ها	رجوع
۳	سجده	۲۱	چشاندن عذاب دنیوی	رجوع
۴	زخرف	۴۸	فرستادن پی در پی معجزات برای اتمام حجت و سپس مجازات	رجوع
۵	احقاف	۲۷	هلاک کردن مردم شهرهای اطراف و توضیح آیات	رجوع

همان گونه که ملاحظه می شود انتظار آن است که پس آمدِ اعمال عدالت یا آزمون همگانی انسان ها، تذکریافتگی و رجوع مردم در برابر مجازات ستمگران و مواجه شدن صحیح با آزمون الهی باشد ولی چون واکنش مردم در آزمونها و تحلیل مجازات ظالمان و میزان تذکر یافتگی مردم دارای مراتب مختلفی است، لعل در این آیات به کار رفته است

۳. در ۱۷ آیه، لعل در مبحث «نبوت» و نزول کتب آسمانی و پیامد مورد انتظار آن به کار رفته است:

ردیف	سوره	آیه	پیش آمد	پس آمد
۱	قصص	۴۳	اعطای کتاب به موسی	ذکر
۲	قصص	۴۶	انذار خلق، جلوه‌ای از رحمت خدا	ذکر
۳	قصص	۵۱	ارسال پیوسته‌ی آیات قرآن	ذکر
۴	دخان	۵۸	سهل و آسان ساختن قرآن به زبان پیامبر (ص)	ذکر
۵	زمر	۲۷	آمدن هر نوع مثالی در قرآن	ذکر
۶	نحل	۴۴	فرستادن قرآن	تفکر
۷	حشر	۲۱	متلاشی شدن کوه بر اثر انزال قرآن بر آن	تفکر
۸	طه	۱۳۰	صبوری در برابر گفته‌های دشمنان و ستایش پروردگار	ترضی
۹	انعام	۱۵۴	اعطای کتاب به موسی	یومنون
۱۰	مومنون	۴۹	اعطای کتاب به موسی	هدایت
۱۱	سجده	۳	انزال قرآن برای انذار کسانی که پیش از پیامبر (ص) انذارکننده ای برایشان نیامده	هدایت
۱۲	بقره	۵۳	اعطای کتاب به موسی	هدایت
۱۳	انعام	۵۱	انذار توسط قرآن	تقوی
۱۴	طه	۱۱۳	انزال قرآن عربی که در آن انواع وعیدها آمده است	تقوی
۱۵	زمر	۲۸	انزال قرآن عربی بدون انحراف	تقوی
۱۶	زخرف	۳	انزال قرآن عربی	تعقل
۱۷	یوسف	۲	انزال قرآن عربی	تعقل

همان گونه که ملاحظه می‌شود انتظار از مردم در برابر بعثت و نزول کتاب آسمانی از سوی خداوند، آن است که مردم، هدایت یافته، به تعقل، تفکر، ذکر، پردازند و تقوای الهی پیشه کنند، ولی کاربرد لعل نشانگر آن است که واکنش های مردم در برابر انبیا مختلف است که در آیات بسیاری تشریح شده است.

۴. واژه لعل در ۶ آیه در آیاتی به کار رفته است که به صورت ترکیبی به دو یا چند موضوع اعتقادی اشاره شده است:

ردیف	سوره	آیه	موضوع	پیش آمد	پس آمد
۱	انعام	۶۵	(خداشناسی + عدل)	قادر بودن خداوند بر ارسال انواع عذاب	یقفهون
۲	بقره	۷۳	(خداشناسی + معاد)	زنده شدن مردگان، قدرت کامل خدا	تعقل
۳	اعراف	۵۷	(خداشناسی + معاد)	احیا کردن زمین توسط باران و بیرون آوردن میوه از آن، برانگیختن مردگان از خاک	ذکر
۴	انعام	۴۲	(عدل + نبوت)	گرفتار ساختن امم پیشین به بلاها و مصیبتها	تضرع
۵	اعراف	۹۴	(عدل + نبوت)	گرفتار کردن قوم پیامبران به گرفتاری ها و بلاها	تضرع
۶	شوری	۱۷	(توحید + عدل + نبوت + معاد)	به حق فرستادن کتاب آسمانی و ترازوی عدالت	قریب بودن ساعت و قیامت

در این آیات، در پیش آمد لعل مبدأ و معاد یا عدل و معاد یا توحید و نبوت و معاد، مطرح شده که علی القاعده باید تعقل، تفقه، تذکر، تضرع و توجه به نزدیکی معاد به

انسان را در پی داشته باشد ولی چون این نتیجه از سوی همه مردم، تحقق نمی یابد، از لعل در این آیات، استفاده شده است

ب- موضوعات رفتاری

واژه لعل در برخی از آیات به کار رفته‌اند که به رفتار مردمان؛ شامل رفتار فردی و رفتار اجتماعی، مربوط است یا ترکیبی از رفتار فردی و اجتماعی در آنها، مطرح شده است. همچنین در آیاتی که ترکیبی از موضوعات اعتقادی و رفتاری می‌باشد. ۱. در آیات مربوط به رفتارهای فردی، حکم الهی فردی بوده و تحقق نتیجه آن مربوط به فرد و یا تک تک افراد می‌باشد بدون این که تحقق آن نیاز به شخص دیگری داشته باشد:

ردیف	سوره	آیه	پیش آمد	پس آمد
۱	بقره	۱۸۳	وجوب روزه	تقوی
۲	انعام	۱۵۳	پیروی از صراط مستقیم و عدم تبعیت از راه‌هایی که موجب تفرقه از راه راست می‌شود	تقوی
۳	بقره	۲۱	پرستش خالق خود و خالق پیشینیان	تقوی
۴	بقره	۱۸۹	نیکي، پرهیزگاری از چیزهای حرام است (از در وارد خانه شوید)	فلاح
۵	مائده	۱۰۰	ناپاک و پاک یکسان نیستند	فلاح
۶	حج	۷۷	رکوع و سجود و پرستش پروردگار و نیکی کردن	فلاح
۷	اعراف	۲۰۴	گوش دادن به قرآن و خاموش ماندن هنگام تلاوت آن	رحمت
۸	یس	۴۵	پرهیز از عذابهای الهی که پشت سر و پیش رو است	رحمت
۹	اعراف	۲۶	فرستادن لباس برای پوشاندن عورات، بهتر بودن لباس تقوا	ذکر
۱۰	بقره	۱۸۵	روزه در ماه رمضان	شکر

۱۱	مائده	۶	پاکیزگی و طهارت	شکر
۱۲	مائده	۸۹	نگه داشتن حرمت سوگند	شکر
۱۳	اعراف	۱۷۶	حکایت کسانی که آیات الهی را تکذیب کردند	شکر

در ۱۳ آیه پیش گفته، که حکم عملی یا آموزه ای فردی، از سوی خداوند مطرح شده و نتیجه طبیعی انجام آن، دستیابی به تقوا و رستگاری یا برخورداری از رحمت الهی یا حصول حالت ذکر و شکر در بندگان است و این نتایج، در پس آمد لعل گزارش شده است، ولی چون برخی از افراد، یا از آن رفتار، سر باز زده، یا به نتیجه آن به دلیل وجود موانع درونی و بیرونی، دست نمی‌یابند، واژه لعل، مورد استفاده قرار گرفته است

۲. واژه لعل در ۱۶ آیه در موضوعات مربوط به رفتار اجتماعی، به کار رفته است که تحقق موضوع آن، نیاز به بیشتر از یک فرد دارد:

ردیف	سوره	آیه	پیش آمد	پس آمد
۱	بقره	۱۷۹	وجود حیات در قصاص	تقوی
۲	اعراف	۱۷۱	نگه داشتن کتاب الهی (تورات) و به خاطر سپردن آن	تقوی
۳	انعام	۶۹	بر کسانی که پرهیزکارند عقوبت حساب بدکاران نخواهد بود	تقوی
۴	بقره	۲۴۲	بهره و هدیه برای زنان طلاق داده شده، بیان آیات الهی	تعقل
۵	توبه	۱۲	کارزار با کسانی که عهد خود را شکسته و دین شما را مسخره می‌کنند	ینتهون
۶	طلاق	۱	رعایت حدود الهی در امر طلاق	یحدث بعد ذلک امرا

رحمت	ایجاد صلح و آشتی در میان مومنان	۱۰	حجرات	۷
ذکر	بدون اذن به خانه مردم وارد نشدن	۲۷	نور،	۸
ذکر	ممنوعیت ازدواج با زنان یا مردان مشرک، دعوت خدا به سوی بهشت و مغفرتی از جانب خود	۲۲۱	بقره	۹
ذکر	سخن نیک همچون درختی پاکیزه است که همیشه به اذن پروردگارش میوه خود را می‌دهد، خدا این مثلها را برای مردم می‌زند	۲۵	ابراهیم	۱۰
ذکر	پیکار با پیمان شکنان در میدان جنگ	۵۷	انفال	۱۱
ذکر	نرم سخن گفتن	۴۴	طه	۱۲
شکر	بهره برداری از دریاها و شور و شیرین	۱۲	فاطر	۱۳
تفکر	چهار ماه فرصت برای گشودن سوگند بر ترک عمل زناشویی (ایلاء)	۲۶۶	بقره	۱۴
هدایت	دعوت به اتحاد و برادری	۱۰۳	آل عمران	۱۵
یزگی	نقص جسمانی مانعی برای تزکیه نفس نمی‌باشد	۳	عبس	۱۶

در این آیات که حکمی عمومی برای ایجاد حیات اجتماعی یا روی آوردن جمعی به هدایت الهی، اندیشیدن، تذکر، تشکر و تزکیه مطرح شده است که در پس آمد لعل، آمده است، ولی جوامع بشری در انقیاد حکم الهی متفاوت بوده و هستند؛ بدین رو کاربرد لعل ناظر به رفتار جمعی مختلف آنهاست.

۳. موضوع کاربرد واژه لعل در ۱۶ آیه، مربوط به رفتار فردی و اجتماعی است که به صورت ترکیبی این رفتارها، هم از فرد و هم از جامعه، مورد انتظار است:

ردیف	سوره	آیه	پیش آمد	پس آمد
۱	بقره	۶۳	اخذ آیات خدا با قوت	تقوی
۲	بقره	۱۸۷	رعایت حدود الهی (احکام روزه)	تقوی
۳	نور	۶۱	خانه‌هایی که غذا خوردن از آنها مجاز است، بر خویشتن سلام کردن هنگام ورود به خانه ای	تعقل
۴	آل عمران	۱۳۰	ترک ربا خواری	فلاح
۵	نور	۳۱	زنان از نگاه کردن به مردان نامحرم خودداری کنند و دامن خود را حفظ نمایند و نباید زینت خود را آشکار سازند و توبه همگان به درگاه الهی	فلاح
۶	آل عمران	۲۰۰	صبور بودن و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کردن و مهیا و مراقب کار دشمن بودن و خداترس بودن	فلاح
۷	مائده	۳۵	تقوا و پرهیزگاری پیشه کردن، وسیله‌ای برای تقرب به خدا انتخاب نمودن، جهاد در راه خدا	فلاح
۸	مائده	۹۰	اجتناب از شراب و قمار و بت پرستی و تیرهای گرو بندی	فلاح
۹	انفال	۴۵	پایداری در برابر دشمنان و یادآوری خدا	فلاح
۱۰	جمعه	۱۰	پراکنده شدن انسان مؤمن در طلب فضل و بخشایش خدا	فلاح
۱۱	توبه	۱۲۲	وظیفه امت اسلامی تبلیغ در دین	یحذرون
۱۲	آل عمران	۱۳۲	اطاعت خدا و رسول	رحمت
۱۳	نور	۵۶	بر پا داشتن نماز و پرداختن زکات و اطاعت از پیامبر (ص)	رحمت
۱۴	انعام	۱۵۲	عدم طرد مومنان	ذکر
۱۵	نحل	۹۰	فرمان به عدل و احسان و بذل و بخشش خویشاوندان و نهی از افعال زشت و منکر و ظلم	ذکر
۱۶	بقره	۲۱۹	اثر سوء شراب و قمار در دلها بیش از منافع صوری آنها است. در حد متوسط اتفاق کردن	تفکر

در این آیات که باید افراد و جامعه، هم به صورت فردی، حکم الهی را اجرا نموده و هم به صورت جمعی، آن را به هنجار و قانون اجتماعی مبدل سازند، انتظار آن است که پیامد و آثارش که در پس آمد لغل ذکر شده است یعنی به مقام دوری گزینی، تقوی، فلاح، ذکر و رحمت الهی دست یابند، ولی به علت گوناگونی افراد و جوامع در اطاعت از این احکام رفتاری، لعل، امکان تحقق آن آثار و نه حتمیت آن را در افراد و اجتماع مطرح می‌سازد.

۴. واژه لعل، در ۹ آیه مربوط به امور اعتقادی و رفتاری به شکل ترکیبی استعمال شده که هم به مسائل اعتقادی زیر بنائی و همچنین به اعمال انسانی پرداخته است:

ردیف	سوره	آیه	موضوع	پیش آمد	پس آمد
۱	نور	۱	اعتقادی + احکام	قرآن، قانون اساسی و آیین‌نامه‌ی الزامی و اجرایی دین است.	ذکر
۲	آل عمران	۱۲۳	(خداشناسی، رفتار فردی)	هر کس طالب نصرت الهی است، باید تقوا پیشه کند	شکر
۳	حج	۳۶	(خداشناسی، رفتار فردی و اجتماعی)	قربانی حج یکی از مظاهر روشن شعائر الهی (حج) است	شکر
۴	اعراف	۱۵۸	(خداشناسی، توحید، رفتار فردی)	شناخت خداوند سبحان پیشی دارد بر همه شناخته‌های دینی، هنگامی که بشر، خدایش را شناخت می‌تواند رسالت الهی را باز شناسد	هدایت
۵	بقره	۱۵۰	(نبوت، رفتار فردی)	ترس از نافرمانی خدا و به فرمان او بودن تا خداوند نعمت و رحمت خود را برای ما به حد کمال برساند	هدایت
۶	انعام	۱۵۱	(توحید، رفتار فردی و اجتماعی)	به خدا شرک نیاوردن، در باره پدر و مادر احسان کردن، نکشتن فرزند از ترس فقر، دوری از کارهای زشت، نکشتن کسی که خدا کشتنش را حرام کرده	تعقل

۷	بقره	۱۸۶	(خداشناسی، رفتار فردی و اجتماعی)	اجابت دعوت خدا و ایمان به او	رشد یافتن
۸	انعام	۱۵۵	(نبوت، رفتار فردی)	پیروی از قرآن و پرهیزگار بودن	رحمت
۹	روم	۴۱	(عدل، رفتار فردی و اجتماعی)	شرک، سبب فساد و تباهی در زمین است، تحقق بعضی کیفی‌ها در همین دنیا	رجوع

در این آیات که آموزه توحید، نبوت و معاد به همراه امر به تقوا، اجابت دعوت الهی، پیروی از قرآن و دوری‌گزینی از شرک و فساد در زمین، مطرح شده است و آثار آن هدایت، رحمت، رشد، رجوع اندیشیدن، ذکر و شکر ذکر شده و در پس آمد لعل، آمده است، کاربرد لعل، گوناگونی میزان این آثار را در افراد و جوامع بشری، خاطر نشان می‌کند.

گفتنی که در آیاتی که متشکل از موضوعات فردی و اجتماعی است، نتیجه دستیابی به فلاح و رستگاری نسبت به پسامد های دیگری که در ذیل لعل می‌آید، بیشتر است و شاید این مسئله، نماینگر این واقعیت باشد که حکمت واجب شدن این دستورهای رفتاری، فلاح و رستگاری فرد و جامعه می‌باشد؛ ولی کاربرد کلمه «لعل» لطف و رحمت الهی را در بیان این فرامین از یک سو و آزاد گذاشتن انسان در انجام آن دستورات، نمایان می‌سازد و نقش افعال اختیاری مطابق با فرمان الهی را در رشد و تکامل و سعادت‌مندی انسان، معرفی می‌کند

۶. بررسی آرای مفسران در تبیین کاربرد لعل در کلام الهی

همان گونه که در ذیل آیات پیش گفته توضیح داده شده اختلاف افراد و جوامع در مراتب ایمانی نسبت به معتقدات و التزام عملی نسبت به دستورات الهی، موجب

کاربرد لعل در مورد نتایج و آثار مورد انتظار شده است. بر این اساس مفسران، علت کاربست لعل در کلام خداوند با آن که متضمن معنای شک و تردید است، را در چهار عنوان، سامان داده و در مورد معنای لعل در آیات چنین بیان کرده اند:

۱. ایجاد حس امیدواری در مخاطب: مرحوم طبرسی در ذیل آیه ۲۱ سوره بقره لعل را تعلیل معنا کرده است «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ». در مجمع البیان آمده است که بعضی از مفسرین گفته‌اند معنای آیه اینست که: خداوند را عبادت کنید، تا در نتیجه آن پرهیزگار باشید و از گناهان و کارهای حرام دوری نمائید. بنا بر این، کلمه «لَعَلَّ» (شاید) به این جهت آورده شد، تا نرمی و متانت و ادب در موعظه و نصیحت، مراعات شود؛ نه برای بیان شک و تردید زیرا شک به معنای، ندانستن است و در باره خداوند، مفهوم ندارد و در ادبیات عرب این کلمه در غیر مورد شک و تردید و در مورد بیان نتیجه و اثر بر مقدمات آن، به کار رفته است؛ همان طوری که کارفرما به کارگر می گوید: «اعْمَلْ لَعَلَّكَ تَأْخُذَ لِلْأَجْرَةِ» کارکن تا اجرت بگیری. طبرسی در ادامه می گوید: عَلَتْ آمَدَن «لعل» در کلام خدا آنست که حس امیدواری و رجاء را در بندگان زنده کند. همان طور که قرآن در باره موسی و فرعون می گوید: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (با نرمش و متانت با فرعون صحبت کنید شاید پند گیرد یا از خدا بترسد). (طه/۴۴) تا موسی و هارون را به نتیجه ارشاد و هدایت فرعون امیدوار کند. (طبرسی، ج ۱، ص: ۱۵۳-۱۵۴)

علامه طباطبایی نیز بر آن است که کلمه (لعل)، امید را می‌رساند، و آنچه در امیدواری لازم است، این است که گفتنش در کلام صحیح باشد، حال چه اینکه این امید قائم به نفس خود متکلم باشد، (مانند مواردی که ما انسانها اظهار امید

می‌کنیم)، و یا آنکه قائم به نفس گوینده نیست، (چون گوینده خداست، که امید در او معنا ندارد) ولی قائم به شخص مخاطب، و یا به مقام خطاب باشد، مثل آنجایی که مقام مقام امید است، هر چند که نه گوینده امیدی داشته باشد، و نه شنونده، و چون به طور کلی امید ناشی از جهل باینده است، و امید خالی از جهل نیست، و خدای تعالی هم منزله از جهل است، لا جرم هر جا در کلام خدای تعالی واژه امید به کار رفته، باید گفت: یا به ملاحظه مخاطب است، یا به مقام خطاب و گفتگو، و گر نه امید در حق خدای تعالی محال است، و نمی‌شود نسبت امید به ساحت مقدسش داد، چون خدا عالم به عواقب امور است. (طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۱، ص: ۱۹۸)

زین الکامل الخویسکی نیز در کتاب «لعل فی القرآن الکریم» علت کاربرد لعل را امید دانسته؛ البته امید مخاطبان را چنین توضیح داده است: رجا و اشفاق، به مخاطبین تعلق دارد و به آنان منصرف می‌شود و این تأویل باعث می‌شود که معنای لغوی این کلمه حفظ شود بدون این که خطائی در مقابل کلام الهی داشته باشیم و همان طور که معنای ترجی به معنای معروفش برای حق تعالی ممنوع است. وی در ادامه موارد و معانی دیگر را نیز به مخاطبین نسبت می‌دهد. همچنین معنای توقع و ترقب نیز برای خداوند متعال مردود است چرا که متوقع و مترقب، اطمینانی به اصول ندارند. (الخویسکی، ۱۹۸۹ م، ص ۷۵)

۲. پیش‌گیری از عجب و غرور: برخی از مفسرین نیز در مورد آمدن «لعل» که معمولاً در مورد شک و تردید به کار می‌رود، گفته‌اند کاربرد لعل در کلام الهی برای آنست که انسان با مختصر عبادتی، به حصول نتیجه یقین کامل پیدا نکند و دچار عجب و خود بینی نگردد و برای به دست آوردن نتیجه کامل و هدف، کوشش

بیشتری نموده، از آنچه او را از این نتیجه باز میدارد دوری جوید. (ر. ک. طبرسی، پیشین، ج ۱، ص: ۱۵۳-۱۵۴)

۳. **معرفی نتیجه و پیامد:** علت دیگری که مفسران در کاربست لعل در سخن خداوند بیان نموده‌اند این است که «لعل» در این گونه آیات به معنای «کی» در زبان عربی است و معنای آن چنین است که این کارها را انجام بدهید تا به تقوای الهی برسید. پس معنای ظاهری «لعل»، شاید است؛ اما در واقع، به معنای حتمیت آن نتیجه در صورت تحقق پیش آمد لعل است. (رازی، فخر الدین، ۱۴۲۰ ق، ج ۲، ص ۳۳۴)

۴. **کاربرد مجازی:** برخی از مفسران، لعل را به معنای حقیقی خود ندانسته‌اند؛ به عنوان نمونه زمخشری در ذیل (لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) در آخر آیه ۲۱ سوره بقره می‌گوید: «جایز نیست معنای لعل در این آیه، به معنای رجاء و امید خداوند به تقواورزیدن آنها؛ حمل گردد؛ زیرا رجاء و امید داشتن در مورد خداوندی که عالم غیب و شهادت است، روا نیست چنان که حمل آن بر این که آنها را در حال رجاء و امید به تقوی، خلق فرموده نیز سخنی استوار نیست؛ پس باید گفت «لعل» در این آیه، معنا و کاربرد مجازی دارد.» (زمخشری، پیشین، ج ۱، ص ۹۲)

به نظر نگارندگان این پژوهش، با توجه به کاربردهای متفاوت لعل در موارد افراد و شرایط مختلف در کلام الهی سه روش نخست می‌تواند تبیین خوبی برای کاربست لعل در کلام الهی باشد که تردید مربوط به معتقد و اعمال مردمان است نه حکایتگر تردید خداوند در مورد آنها یا آثار و نتایج آن اعمال؛ اما در مورد رای چهارم یعنی دیدگاه زمخشری، چون که حمل یک واژه بر معنای مجازی، نیاز به شواهد درون متنی یا برون متنی کافی دارد که از سوی زمخشری ارایه نشده و با عنایت به آن که

تا می‌توان معنای حقیقی صحیحی از واژگان قرآنی دریافت، نمی‌توان آن را به معنای مجازی، حمل نمود، رأیی ناموجه می‌نماید.

۷. جمع بندی و نتیجه‌گیری

از بررسی کاربرد لعل در قرآن کریم، نتایج ذیل به دست آمد:

۱. در قرآن کریم واژه لعل در ۱۲۶ آیه و ۱۲۹ بار، به کار رفته است و ۱۰۴ مورد آن به طور مستقیم از قول حق تعالی است که در ۱۰۱ مورد آن واژه لعل، در ذیل آیه واقع شده و در ۳ آیه در صدر واقع شده است. در ۱۳ مورد دیگر یا به نقل از پیامبران الهی و در یک مورد به نقل از فرشتگان و در بقیه موارد به نقل از فرعون و مشرکان می‌باشد.

۲. مفسران در رابطه با علت به کار گیری واژه «لعل» در کلام خداوندی که دلنای غیب و آشکار است، ۴ تبیین دارند؛ آنان که لعل را دارای معنای حقیقی خود دانسته‌اند؛ علت آن را نه تردید متکلم بلکه ۱. ایجاد حس امیدواری در مخاطب ۲. معرفی نتیجه و پیامد که لعل در این موارد، به معنای «کی» آمده است و از طرف خدای متعال، معنای حتمی و وجوبی دارد. ۳. پیش‌گیری از عجب و غرور در مورد دستیابی به آن نتایج؛ که امید و انتظاری که در معنای لعل وجود دارد مربوط به خداوند و متکلم نیست؛ بلکه مربوط به مخاطب و مراتب ایمانی و کیفیت التزامی اوست. اما برخی از مفسران، لعل را از معنای حقیقی خود منسلخ دانسته و برای آن معنای مجازی در نظر گرفته‌اند که بدون شواهد کافی و متقن، نمی‌توان آن را پذیرفت.

۳. به کاربردن افزونتر «فلاح و رستگاری» در پس آمد آیات مربوط به موضوعات اعتقادی و رفتاری، از یک سو نشانگر لطف و رحمت الهی در تبیین حقایق اعتقادی و تشریع فرامین الهی و از سوی دیگر، تبیین کننده آثار و نتایج آن آموزه‌ها برای ترغیب و تشویق روی آوردن به آنها و از سوی سوم، حکایتگر آزادی انسان در اعتقادورزی و انجام آن آموزه‌ها و دستورات و از سوی چهارم، معرفی و شناساندن نقش و تأثیر افعال اختیاری بشر در رشد، تکامل و سعادت‌مندی او در صورت مطابقت با فرمان الهی است.

منابع

قرآن کریم

- ۱- ابن جوزی، ابو الفرج عبدالرحمن بن علی، زادالمسیرفی علم التفسیر، ۴جلد، دارالکتب العربی، بیروت اول، ۱۴۲۲ق.
- ۲- ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریرو التنویر، ۳۰جلد، بی نام، بی جا، بی تا.
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر - بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
- ۴- ابن هشام، ابی محمدعبدالله جمال الدین بن یوسف بن احمد بن عبدالله، مغنی اللیب، منشورالمکتبه آیه الله العظمی المرعشی نجفی، قم، بی تا.
- ۵- الازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، دار الاحیاء التراث، لبنان، بیروت، ۱۹۹۸.
- ۶- الخویسکی، زین الکامل، لعل فی القرآن الکریم، ۱جلدی، دارالمعرفه الجامعیه، اسکندریه چاپ اول-۱۹۸۹م.
- ۷- انیس، ابراهیم و همکاران، المعجم الوسیط، مکتب نشر الثقافه الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۴۰۸هـ. ق/۱۳۶۷ هـ. ش.
- ۸- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۷ ق. چاپ چهاردهم،
- ۹- رازی، فخر الدین، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
- ۱۰- راغب اصفهانی، حسین بن محمود، مفردات الفاظ القرآن الکریم، ۱جلدی، انتشارات ذوی القربی، قم، چهارم، ۱۴۲۵هـ. ق-۱۳۸۳هـ. ش.

- ۱۱- روحانی، محمود، المعجم الاحصایی الالفاظ القرآن الکریم= فرهنگ آماری کلمات قرآن کریم. آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷.
- ۱۲- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، ۴جلد، بیروت، ۱۴۳۰ - ۱۴۲۹ هـ.ق.
- ۱۳- زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.
- ۱۴- سبزواری نجمی، محمد بن حبیب الله، ارشاد الالذهان الی تفسیر القرآن، ۱ جلد، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، اول، ۱۴۱۹ق.
- ۱۵- سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۱م.
- ۱۶- شبر، سید عبد الله، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتب المبین، ۶جلد، مکتبه الألفین، کویت، اول، ۱۴۰۷هـ.ق.
- ۱۷- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
- ۱۸- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، با مقدمه محمد جواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
- ۱۹- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، مؤسسه البعثه، ۱۴۱۴ ق.
- ۲۰- عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، دارالحديث، قاهره، ۱۹۸۷.
- ۲۱- عسکری، ابی هلال، معجم الفروق اللغویه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۹

- ۲۲- کاشفی سبزواری، حسین بن علی، مواهب علیه، ۱ جلد، سازمان چاپ و انتشارات اقبال، تهران، بی‌چا، ۱۳۶۹ ش.
- ۲۳- مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۰ جلدی، مرکز نشر آثار علامه المصطفوی، ۱۳۸۵ هـ. ش.
- ۲۴- الهمزانی، عبدالجبار بن احمد، متشابه القرآن، ۱ جلدی، مکتبه دار التراث، قاهره، بی‌چا، بی‌تا.
- ۲۵- والدقر عبد الغنی، مجمع النحو، بی‌تا، بی‌جا، ص ۳۱۱۱.